

بسمه تعالی

چالشهای متخلق شدن

حمیدرضا آیت اللهی

مقدمه: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، جلسات هم اندیشی مرتبی را با حضور اندیشمندان این حوزه با مدیریت جناب آقای دکتر خدایاری فرد با عنوان «ارتقاء اخلاق و تعاملات دینداری» تدارک دیده است که طی آن بطور مرتب استادان این حوزه گردهم می آیند و درباره طرحهایی در این زمینه به بحث و تبادل نظر می پردازند. در یکی از این جلسات از من خواسته شد درباره موضوعی مرتبط در این زمینه صحبت داشته باشم. موضوع انتخاب شده «چالشهای متخلق شدن» بود. ذیلا خلاصه مطالب این نشست که در تاریخ ۹۸/۳/۲۰ در سالن شورای دانشکده ارائه شده بود ملاحظه می فرمایید:

برای آن که جامعه ای اخلاقی داشته باشیم و یا برنامه ای برای ارتقاء اخلاقی در دانشگاه تنظیم کنیم با برخی چالشها روبرو خواهیم بود که در این نوشتار به دسته ای از این چالشها که از آن به عنوان چالشهای متخلق شدن تعبیر شده است اشاره می گردد.

۱- چرا متخلق و نه اخلاقی

عنوانی که من برای صحبت‌هایم گذاشته‌ام چالش‌های متخلق شدن است. تخلق به اخلاق با آموزش اخلاق فرق می‌کند اخلاق می‌تواند در حوزه نظری باشد، اما تخلق امری است که در درون افراد نهادینه شده است. کار اصلی ما متخلق کردن افراد به ملکات اخلاقی مثل صبر، شکر، صداقت است و نه آموزش نظری آنها. برای این که امری به صورت ملکه در بیاید نوع مداخلات فرق اساسی با آموزش اخلاق دارد.

۲- تربیتی و نه آموزشی

مسئله دیگر این است که اخلاق یک نوع کار تربیتی است، اخلاق با آموزش تنها محقق نمی‌شود. آموزش عهده دار تغییر درونی افراد نمی‌شود در حالی که تربیت بدنبال تغییر درونی افراد است.

۳- عقل عملی و نه عقل نظری

ما یک عقل عملی داریم یک عقل نظری. افرادی مانند هیوم و مور در جریان تاریخ فلسفه اعتقاد دارند اصلاً عقل عملی احکام مختص خود را دارد و عقل نظری هم همین‌طور و این دو به یکدیگر ارتباط پیدا نمی‌کنند. اگر چه من بشخصه این مغایرت تام را قبول ندارم ولی دیدگاه هیوم بدرستی تلازم تام این دو را (مخصوصاً آنگونه که افلاطون معتقد بود) نفی می‌کند و نشان می‌دهد این دو حوزه فضاهای متفاوتی را دارند. حتی نوشتن طرحنامه برای ارتقاء اخلاقی خود در محدوده عقل نظری است و باید به این تمایز دقت کرد. بنابراین نوع کارهایی که در عقل عملی داریم و نوع برنامه‌ها و نوع ارزیابی‌ها که در عقل عملی است باید با نوع ارزیابی‌ها و کارهایی که در عقل نظری می‌کنیم متفاوت باشد. نمره درس اخلاق کسی اگر بیست شود معلوم نیست که متخلق هم باشد.

۴- مبتنی بر روشهای تجویزی و نه توصیفی

متخلق شدن مبتنی بر روش‌های تجویزی است نه روش‌های توصیفی. در متخلق شدن ما باید بیندیشیم که چه تجویزی را انجام دهیم که اساتید صداقت بیشتری داشته باشند. خیلی وقت‌ها ما در همان سطح مسائل توصیفی می‌مانیم. مثلاً در شبکه‌های اجتماعی و سایر رسانه‌ها از وضعیت اخلاقی گروه یا جامعه اشکال گرفته می‌شود و با آمار یا مواردی نشان داده می‌شود که چه مقدار بی اخلاقی در جامعه وجود دارد (مثل جوکهای سیاه). این نتایج آماری کاری توصیفی است و ذکر آن باعث تعاملی اثر گذار برای متخلق شدن افراد جامعه نمی‌شود. آنچه مهم است این است که چه کاری **باید** انجام دهیم تا پدیده‌ای زشت در جامعه (مثل عادت به طرح جوکهای سیاه) کم شود و یا صفتی نیکو در آن رشد یابد. شما ببینید یک راه تجویزی بدهید که مردم جوک سیاه نگویند برخی کارشان شده غرغر کردن؛ و خیال می‌کنند دارند افراد را متخلق می‌کنند. این نوع کارها نمی‌تواند تاثیری در اخلاقی شدن جامعه داشته باشد. در دانشگاه هم با این مسائل مواجه هستیم مثلاً می‌گویند وضعیت حجاب در دانشگاه خوب نیست. این یک توصیف است، اما سوال این است که ما اگر بخواهیم حجاب را در دانشگاه افزایش دهیم چه راه‌حل‌های تجویزی وجود دارد (که قابل ارزیابی باشد)؟ ما به‌عنوان اساتید دانشگاه بیشتر تمایل به همان مباحث توصیفی داریم؛ ما باید از این فضای توصیفی عبور کنیم تا بتوانیم در فضای تجویزی کار کنیم.

۵- نقش انتخاب و اختیار در متخلق شدن

نکته بعدی در متخلق شدن این است که متخلق شدن ارتباط بسیاری با انتخاب و اختیار دارد. اخلاق باید توسط دانشجو استاد و دیگر افراد انتخاب شود. اگر دانشجو از ترس یا حتی از روی عادت یک کار اخلاقی خوب انجام دهد یا کار اخلاقی بد را انجام ندهد، باید او را به جهتی سوق دهیم که خودش مختارانه رفتارهای اخلاقی از خود نشان دهد. متأسفانه ما افراد را به سمت رفتار اخلاقی وادار می‌کنیم این با

اخلاق سازگار نیست. تمام کارهایی که می‌خواهیم در زمینه اخلاق انجام دهیم باید در شرایطی باشد که آزادی عمل به طرف مقابل داده شود. اگر یک نفر استاد در دانشگاه تقلب علمی نکرد وقتی اخلاقی می‌شود که اجبارهای بیرونی تاثیر اصلی را در آن نداشته باشد. اما اگر بخاطر برخی آیین‌نامه‌ها و کیفرها استادان تقلب علمی نکنند در آن صورت تخلق صورت نگرفته است. پس ما تا آنجا که می‌توانیم باید کاری بکنیم که این انتخاب در افراد تحقق پیدا کند، یعنی با این که افراد می‌توانند تقلب علمی کنند خودشان نپسندند که تقلب کنند. این یعنی بجای روش‌های توییحی باید روش‌های تقویت اراده فرد مورد توجه قرار گیرد. فرق رویکرد تقویت اراده فرد با رویکرد تنبیه و توییح در این است که دومی بدنبال رفتار اخلاقی با انتخاب فرد است نه نتیجه آن یعنی انجام رفتاری ظاهرا اخلاقی.

۶- متخلق شدن نه متخلق کردن

نکته دیگر این که ما متخلق شدن داریم نه متخلق کردن. متخلق شدن از خود فرد می‌جوشد در حالی که متخلق کردن یعنی تاثیر بیرونی تا فردی منفعلانه اخلاقی شود. ما نباید به دانشجو بگوییم اخلاقی شو بلکه باید بگوییم اگر اخلاقی شدن خوب است خودت انتخاب کن اخلاقی باشی. امور تجویزی باید بستری برای متخلق شدن باشد همانگونه که تربیت امری شدنی است. تربیت تحمیلی و اجباری نیست.

۷- دوره های سنی تخلق به اخلاق برخلاف دوره های سنی آموزش علمی

نکته بعد که در اخلاق مهم است دوره‌های سنی است. در رشد عقل نظری هر چه سن بالاتر می‌رود فراگیری افراد بهتر می‌شود، اما در مورد اخلاق برعکس است. همه متخلق شدن‌ها به اخلاق باید در سنین پایین صورت بگیرد؛ هر چه سن بالاتر می‌رود اخلاقی شدن مشکل‌تر می‌شود. تحقیقاتی انجام دادم تا ببینم در سایر کشورهای دنیا چه برنامه‌هایی برای بالابردن منش اخلاقی در میان دانشجویان پزشکی برای اخلاق پزشکی وجود دارد، دیدم در این زمینه کار جدی انجام نشده است. اما کارهای بسیاری را مشاهده کردم که در زمینه اخلاقمند کردن دانش‌آموزان در مدرسه و یا اخلاقی شدن کودکان سه ساله دو ساله پنج ساله شده است.

اخلاق یکی از مواردی است که باید از سنین پایین شروع شود؛ هر چه سن بالاتر می‌رود اخلاقی شدن سخت‌تر می‌شود.

۸- ضرورت تنوع روشها

روش‌های تربیتی در این زمینه باید به گونه‌ای باشد که بستر را با انواع روشها آماده کنیم تا افراد متخلق به اخلاق شوند. این روشها بسیار متنوع است. ما اساتید دانشگاه، به علت ماهیت کارمان، بیشتر به

تدریس و روش‌های تبیینی فکر می‌کنیم. گرچه این یک روش است ولی روش‌های متنوع دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد. در کار تحقیقی که برای متخلق کردن دانشجویان پزشکی به اخلاق به عهده داشتیم توانستیم ۳۶ روش در این زمینه پیدا کنیم. آیا اگر به دانشجو پند دهیم این کار را نکن این روش می‌تواند اثر گذار باشد؟ در این تحقیق نشان داده شده است که این روش ابتدائی در موقعیتی خاص تا یک حد به خصوص اثر دارد؛ این که ما به‌طور مستقیم به کسی پند دهیم این یک روش است. اما اگر برای متخلق شدن افراد بخواهیم کاری انجام دهیم باید از تمام روش‌ها به‌طور موازی استفاده کنیم. روش قدمای ما این‌گونه بود که می‌رفتند بالای منبر پند می‌دادند و توصیه اخلاقی می‌کردند روش‌های دیگر را به کار نمی‌بردند. روش‌های دیگری مانند الگو ساختن، جلسات بحث و گفتگو تشکیل دادن یا تربیت حین مشارکت‌های اجتماعی، روش‌های متنوع دیگری هستند که می‌توانند به کار گرفته شوند. پس باید به تنوع روش‌ها توجه شود و در یک روش نمانیم؛ حتی روش‌های کم اثر را هم حذف نکنیم. در مواردی تبیین‌های اساسی برای انجام یک کار خیر صورت پذیرفته است (روش تبیینی) ولی بازهم انجام خیر اخلاقی تحقق پیدا نمی‌کند. این یعنی باید از روش‌های دیگر برای تخلق به اخلاق استفاده شود. مثلاً خودمان از کسانی درخواست می‌کنیم که برای یک امری که قبول داریم ولی انجام نمی‌دهیم، انگیزه لازم را به ما بدهد. او می‌پرسد مگر قبول نداری می‌گوییم قبول دارم ولی تنبه لازم را ندارم یا نیاز دارم شخصی راهی را نشان دهد که این حساسیت اخلاقی در من زیاد شود. این همان کارکردی است که موعظه و تکرار یادآوری‌ها دارند. ما بعضی وقت‌ها خودمان احتیاج به موعظه داریم بعضی وقت‌ها خود ما نیاز به تنبیه داریم.

۹- توجه به حسن فاعلی

نکته دیگر اینکه در نگرش اسلامی به اخلاق، حسن فاعلی اهمیت دارد. ما در متخلق کردن افراد بیشتر به حسن فعلی فکر می‌کنیم. اگر در دانشگاه هیچ دانشجویی دروغ نگوید دانشگاه را اخلاقی می‌دانیم در حالی که بین این که دانشجویان از ترس دروغ نمی‌گویند با اینکه برای رضایت خداوند دروغ نمی‌گویند فرق بسیاری وجود دارد. در اخلاق اسلامی به حسن فاعلی خیلی توجه شده است. بنابراین باید روی انگیزه‌ها هم کار کرد نه فقط بر صرف رفتار اخلاقی.

۱۰- کم اثر بودن برنامه‌های از بالا به پایین

نکته دیگر این که برنامه‌هایی که از بالا به پایین ابلاغ شود نمی‌تواند تاثیر گذاری لازم را داشته باشد. ارائه یک طرحنامه برای اخلاقی کردن دانشگاه هم می‌تواند یک برنامه از بالا به پایین باشد. لذا باید حواسمان باشد تا باید اخلاق از دل خود دانشجو نشات بگیرد. جناب آقای دکتر قراملکی روش بسیار

خوبی برای ارتقاء اخلاق کاربردی انجام می دهند. ایشان وقتی می خواهند مرامنامه یا دستورالعملهای اخلاقی را برای یک سازمان تدوین کنند افراد آن سازمان را جمع می کنند و با تبادل نظر با آنها اتفاق نظری درباره رفتارهای اخلاقی بوجود می آورند. بدین ترتیب مرامنامه بدست آمده مرامنامه ابلاغی ایشان به افراد نیست بلکه مرامنامه ای است که خود افراد بدست آورده اند و تاکید کرده اند باید اینگونه رفتار کنند. برای ارتقاء اخلاقی دانشگاه بهتر است دانشجویان را جمع کنیم و بگوییم به نظر شما دانشگاه چگونه باید باشد، استاد چگونه باید باشد، دانشجو چگونه باید باشد. از خود دانشجویان اقرار می گیریم خودشان را درگیر مسأله می کنیم که مرامنامه اخلاقی برای خودشان بنویسند.

۱۱- ضرورت ارائه برنامه زمان مند عملیاتی در یک فرآیند زمانی

اگر برنامه ای تعاملی برای متخلق شدن در دانشگاه در نظر داریم بدانیم متخلق شدن یک فرآیند طولانی مدت است و با اقداماتی که بتواند به یکباره با یک روش موثر باشد نیست. لذا باید هم تنوع روشها و هم تداوم زمان مندی از برنامه ها داشته باشیم. لذا اگر در نظر است رشد اخلاقی صورت بگیرد باید برنامه زماندار از اقدامات متنوع برخاسته از روشهای گوناگون در یک فرآیند زمانی مدت دار ارائه نماییم که معلوم شود در هر زمان چه کسی و در کجا و به چه صورتی باید چه اقدامی را انجام دهد.

۱۲- ارزیابی اخلاقی

مسأله بعد مسأله ارزیابی اخلاقی است. فرض کنید کسی می خواهد بیاید این جلسه ببیند آیا این جلسه ملاکهای اخلاقی رعایت شده است یا نه. برای ارزیابی هر موقعیت انسانی ارزیابی ها به این سادگی نیستند چرا که اخلاقی بودن صرفا از روی آثار فهمیده نمی شود. باید بتوانیم راههایی برای ارزیابی و یا حسابرسی اخلاقی یک سازمان یا یک مجموعه یا یک فرد داشته باشیم. یکی از راهها آن است که مجموعه ای از رفتارها را معین کنیم و با تیک زدن به هر یک از آنها به میزان اخلاقی بودن پی ببریم ولی تشخیص بسیاری از امور اخلاقی بسیار مشکل است. این کار کار ارزشمند ولی سختی است که فعالیتهای کمی حول و حوش آن انجام شده است و می توانید کار بدیع و ارزنده ای برای کشور باشد.

تکمله

تفاوت اخلاق و آداب:

باید بین اخلاق و آداب تمایز قائل شویم. یک اخلاق داریم یک آداب. بسیاری از اموری که دستورهای تجویزی می گیرند از سنخ آداب هستند و نه اخلاق. درست است که آداب مبتنی بر یک یا چند معیار

اخلاقی هستند، ولی نمی توان آنها را در سنخ اخلاق آورد. آیا بردن موبایل سر کلاس درست است یا غلط؟ موبایل بردن که کار اخلاقی نیست اما یک سری دستورهای اخلاقی دارید مثل توجه به حرمت کلاس که می تواند بر مبنای آن آدابی برای استفاده از موبایل در کلاس و دانشگاه تنظیم کرد. دانشجو مثلاً باید خودکار و مداد همراه داشته باشد این که بحث اخلاقی نیست، بلکه آداب حضور دانشجو در دانشگاه است.

دشواری درک مسئولان از اهمیت ارتقاء اخلاقی

من می خواهم تجربه ناموفق خودم را بگویم. معاون محترم آموزشی دانشگاه صنعتی شریف از من خواسته بودند که برای ارتقاء اخلاقی دانشگاه (دانشجو، استاد و کارمندان) طرحنامه ای تنظیم کنم. پس از تنظیم طرحنامه جلسه ای گذاشته شد تا سایر مسئولان دانشگاه آن را تایید کنند. اولین مسئله ای که مطرح شد این بود که چطور می خواهیم مسئولان اجرایی را قانع کنیم که این کار ضرورت دارد. دوم این که خوب حالا مرامنامه نوشتید که چه شود؟ آن ها می گفتند آقا یک کاری بکنید که در نهایت ما ببینیم مثلاً دانشجویان کمتر سیگار می کشند. با این که خودشان سفارش داده بودند ولی زیر بار نمی رفتند. دغدغه جدی آن است که بتوانیم با کارفرما وارد گفتگو شویم و او را قانع کنیم. این یک چالش بزرگ در آینده خواهد بود و باید از الان فکر کنیم چطور این چالش را حل کنیم.

یک تجربه دیگر من در سال ۱۳۸۸ بود. وقتی در آن سال مسئولیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به من سپرده شد، نزد معاون پژوهشی وزارت علوم رفتم و پیشنهاد کردم ضرورت دارد برای پژوهش کشور مطالبی درباره اخلاق پژوهش تنظیم کنیم. ابتدا هیچ شناختی از اینکه چگونه می توان برای پژوهش اخلاق نوشت نداشتند و صرفاً به خاطر اعتماد به من قبول کردند تا ببینند نتیجه کار چه خواهد شد. بعد که ما به تدریج کتابها را انتشار دادیم ادبیات موضوع زیاد شد خودشان شروع کردند به نوشتن مرامنامه های اخلاقی در پژوهش.